

گفت و گو با مردی که یک تنه به جنگ بیابان‌زدایی رفته است

جنگل‌کاری در شوره‌زارهای زرین‌دشت

«عبدالله یوسفی» مرد درختکار ساکن «زرین‌دشت» شهرستانی نزدیک به شهر داراب و فسااست. او را آقای خشنودی کارمند روابط عمومی جهاد کشاورزی شهرستان زرین‌دشت به «محله همدل» معرفی کرده است. خشنودی در پویش مهرواره محله همدل ثبت مسئله کرد تا همه بدانند که این مرد و خانواده‌اش به تنهایی در حال رفع چه مشکل بزرگی هستند. خشنودی می‌گوید: کاش همه مردم ایران این مرد و خانواده‌اش را بشناسند. او یک تنه به جنگ بیابان‌زدایی رفته است.

با گفته‌های آقای خشنودی و پیگیری ثبت طرح مسئله در کمپین محله همدل به سراغ «عبدالله یوسفی» می‌رویم؛ مردی که حالا ۵۶ ساله است. در همان چند جمله اول می‌فهمیم که بیابان‌زدایی شوره‌زارهای زرین‌دشت، قصه دیگری هم دارد. این روایت برمی‌گردد به وقتی که عبدالله یوسفی فقط ۱۹ سالش بود و در جبهه‌های جنگ بارها و بارها شاهد جان‌بازی و شهادت دوستانش شده بود. به اینجای حرف‌هایش که می‌رسد پلک‌هایش را رو به تیغ آفتاب باز نگه می‌دارد تا شاید قطره اشک جمع شده در چشمانش بخار شود و روی صورت آفتاب خورده‌اش، راه باز نکند: «۱۷ سال از عمرم را گذاشتم برای احیای خاک زرین‌دشت برای بیابان‌زدایی، امروز فقط همین کار از دست من برمی‌آید. روزگاری فرزندان این خاک و بوم برای حفظ خاک و تمامیت ارضی قدم روی معابر مین‌گذاری شده می‌گذاشتند تا بدن‌های بی‌جان‌شان معبری شود برای عبور لشکر تا یک وجب از خاکمان به دست دشمن نیفتد».

گز شاهی مقاوم است درست مثل خود ما

یوسفی نگاهش را به ردیف درخت‌هایی که حالا قدبلند کرده‌اند می‌دوزد و ادامه می‌دهد: «من کار بزرگی نمی‌کنم، فقط درخت می‌کارم آن هم بی‌حساب، تا وقتی جان در بدن دارم درخت می‌کارم. درختانی مقاوم از نوع «گز شاهی»، درختی که به گرمای سوزان آفتاب و کم‌آبی این روزها عادت داشته باشد درست مثل خود ما». انگار نبض «عبدالله یوسفی» در شاخ و برگ این درخت‌ها می‌زند. درختانی که خودش همه آن‌ها را یک‌به‌یک قلمه زده است. فرزندان هم از وقتی پا گرفته‌اند قلمه‌ها را به کمک او و همسرش در زمین کاشتند و حالا درختانی تنومند شده‌اند درست مثل فرزندان که این سال‌ها قد کشیده‌اند.

یوسفی روزهای سختی را گذرانده تا امروز بتواند دستش را سایه‌بان چشمانش کند و با انگشت اشاره پوشش جنگلی از درختان را به ما نشان دهد و بگوید: «خیلی از اهالی زرین‌دشت برای گذراندن یک روز تفریحی زیر سایه این درخت‌ها می‌نشینند در حالی که تا همین ۱۰ سال پیش اینجا حتی یک درخت هم به چشم نمی‌خورد».

نماینده سازمان بین‌المللی تشویقش کرد

عبدالله یوسفی در همه این سال‌ها علاوه بر اینکه شبانه‌روز قلمه زده، کاشته، آب رسانده پاشنه‌هایش کفشش را هم ورکشیده و به تمام ادارات جهاد کشاورزی شهرستان، استان و کشور هم سرزده است. هر جا رسیده از طرحش گفته نه اینکه مطالبه خاصی داشته باشد او تلاش کرده تا این طرح بومی و محلی را برای بیابان‌زدایی به همه ادارات معرفی کند. یوسفی در کنفرانس سازمان بین‌المللی بیابان‌زدایی که سال‌ها پیش در تهران برگزار شد حضور پیدا کرد تا از طرح‌های بیابان‌زدایی بومی و محلی دفاع کند و اتفاقاً طرحش بسیار مورد توجه نماینده سازمان بین‌المللی قرار گرفت».

یوسفی درباره اهمیت بیابان‌زدایی و جنگل‌کاری یک دنیا حرف دارد، اما در چند جمله می‌گوید: «اجرای پروژه بیابان‌زدایی از ۱۰۰ هکتار زمین توسط خانواده‌ام لیبیکی به فرمایش و رهبر معظم انقلاب بوده است و من دوست داشتم یک یادگاری جاودانه از خانواده‌ام بر جای بگذارم و به نسل آینده خدمت کنم. من می‌توانستم این سرمایه زمانی و اقتصادی را در عرصه‌ای درآمدزا صرف کنم، اما عشق به طبیعت این حرف‌ها را نمی‌شناسد».

